

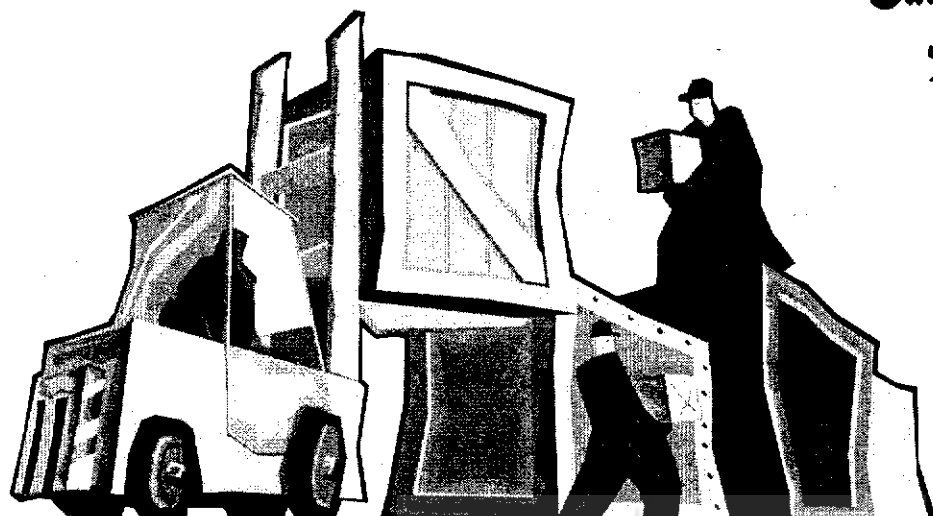
## انتقال ضمان در بیع

## بین المللی کالا

(مطالعه تطبیقی)

(قسمت پایانی)

(دکتر رضا کریم کاشی)



## ۱۱- تحویل کالا در محل خاص:

وقتی که خریدار باید کالا را در محل دیگری، غیر از کارخانه فروشنده تحویل بگیرد، آن وقت دیگر جهات مذکور در قاعده فوق قابل اجرا نیست و این از آن جهت است که خریدار بهتر می تواند از کالا مراقبت کند. به همین لحاظ وقتی که کالا در محل خاصی تسلیم شود، و خریدار هم می داند که کالا در آن محل در اختیار او قرار دارد (بند ۲ ماده ۶۹)، ضمان به وی منتقل می شود. البته شرط لازم در این مورد این است که خریدار بتواند کالا را قبض کند، و این مستلزم تسلیم واقعی کالا به او است. (۱)

قبض کالا، درست مثل پرداخت ثمن، یکی از تعهدات مشتری است. در موردی که تحویل کالا باید در محلی غیر از کارخانه فروشنده انجام شود، ضمان در صورتی به خریدار انتقال می یابد که اولاً؛ موعد تسلیم کالا فرا رسیده باشد، و ثانیاً؛ مشتری اطلاع داشته باشد که کالا در محل مزبور در اختیار او قرار دارد. (۲) در بند ۳۰ ماده (۶۹)، مشخص نشدن کالای تحویلی، قرینه ای است که کالا در اختیار مشتری قرار نگرفته است. برای اطلاع مشتری از این موضوع که کالا در اختیار اوست، فرض مطلع بودن او کافی نیست بلکه

اطلاع واقعی وی شرط است، و لذا ارسال اخطار عادی مذکور در ماده (۲۹) برای این مقصود کفایت نمی کند. در صورت اجتماع شرایط مذکور، برای انتقال ضمان، قبض واقعی کالا توسط خریدار ضرورتی ندارد. این قاعده بویژه در مورد تحویل کالا از انبارهای عمومی، و نیز موقعی که کالا پس از حمل توسط متصدی حمل و نقل در اختیار خریدار قرار می گیرد (مثل شرط تحویل پس از تخلیه از کشتی)، قابل اجراست. همچنین است در موردی که کالا در اختیار شخص ثالث است و یا فروشنده تعهد کرده که آن را به محل معینی حمل کرده و در آنجا تحویل خریدار دهد. (۳)

## ۱۲- بیع کالای در حال حمل (در راه):

بیع کالای در حال حمل بسیار متداول است، بویژه در مورد مواد اولیه ای که تغییر قیمت، سودآور بودن این گونه معاملات را محتمل می سازد. خریدار اولی که کالا به حساب او در حال حمل است، ممکن است آن را به شخص دیگری واگذار کند. قاعده کلی انتقال ضمان در زمان تحویل کالا به متصدی حمل و نقل، در این مورد با این اشکال مواجه است که کالا «برای تحویل به خریدار» (در اینجا خریدار دوم)، تسلیم متصدی حمل و نقل نشده است؛ چرا که

انعقاد قرارداد مربوط به بعد از تسلیم کالا به متصدی حمل و نقل است، و نه قبل از آن. با این همه، می توان با عطف به ماسبق کردن انتقال ضمان نسبت به خریدار دوم، این قاعده را رعایت کرد. این اصل همان است که در کنوانسیون سال (۱۹۶۴ م.)، (L.U.V.I.)، مورد قبول قرار گرفته بود (ماده ۹۹)، و طرح اولیه کنوانسیون سال (۱۹۸۰ م.) نیز بر همین مبنا بود. ولی با توجه به مخالفت خریداران و دولتهای جهان سوم با این قاعده، حفظ آن در کنوانسیون وین دشوار بود. از این جهت در ماده (۶۸)، قاعده دیگری به شرح زیر مورد قبول قرار گرفت: «ضمان از تاریخ انعقاد عقد به خریدار منتقل می شود».

با وجود این، وقتی که منشأ خسارت، حادثه مشخصی مثل طوفان یا حوادث مربوط به جاده یا راه آهن نیست، این قاعده موجب می شود که اثبات انتقال ضمان مشکل شود. به همین جهت، این راه حل در ابتدا پذیرفته نشده بود. به هر حال، طرفین می توانند تاریخ انتقال ضمان را صریحاً تعیین کنند، خواه این تاریخ ابتدای حمل باشد، خواه انتهای آن. اگر طرفین تاریخ انتقال ضمان را تعیین نکنند، ماده (۶۸) قابل اجرا خواهد بود. این ماده، در عین حال که متضمن یک حکم اصلی است،

مقرر می‌دارد: «اگر اوضاع و احوال اقتضا کند انتقال ضمان، از تاریخ تسلیم کالا به مؤسسه حمل و نقلی که اسناد مربوط به قرارداد حمل را صادر می‌کند، برعهده خریدار (نهایی) قرار خواهد گرفت. مثل موردی که کلیه اسناد از جمله قرارداد بیمه کالا به نفع خریدار، با بیع انتقال می‌یابد، و خریدار (نهایی) می‌تواند خسارت احتمالی وارده به کالا را از شرکت بیمه دریافت نماید.» (۴)

**۱۳- انتقال ضمان در بیع با سوء نیت:**  
قسمت آخر ماده (۶۸)، در مورد فروشنده با سوء نیت مقرر می‌دارد: «... چنانچه با بیع در زمان انعقاد قرارداد، نسبت به تلف یا خسارت وارده به کالا اطلاع داشته یا می‌باید اطلاع می‌داشت، و این امر را به آگاهی مشتری نرسانده باشد، ضامن تلف یا زیان خواهد بود.»

طرز نگارش ماده به نحوی است که می‌تواند نه تنها ضمان خسارتی را که مربوط به قبل از انعقاد قرارداد است، بلکه ضمان خسارت بعدی را نیز، که علت آن چیز دیگری است، برعهده با بیع دانست، و این به تقسیم خسارت بین آنها ترجیح دارد. در واقع، خریدار می‌تواند بگوید اگر از این وضع اطلاع داشت، قرارداد را منعقد نمی‌کرد. وانگهی، در حقوق داخلی فرانسه نیز، خریدار می‌تواند به علت معیوب بودن رضا، بطلان بیع را اعلام کند. در این صورت دیگر خریدار ملزم نیست که کالا را عیناً به همان وضعی که آن را دریافت کرده، به فروشنده مسترد نماید. مشروط بر آن که مرتکب تقصیری نشده باشد. بند "۲" (الف) ماده (۸۲) کنوانسیون، در مورد فسخ قرارداد، از همین فرمول استفاده کرده است. (۵)

در حقوق فرانسه آنچه را ما به عنوان "خيار عیب" می‌آوریم، آنها در زمره تعهدهای وابسته به چگونگی تسلیم مبیع مطرح می‌سازند، و آن را در کنار "ضمان درک" و از همان سنخ تلقی می‌کنند؛ فروشنده ملزم است مبیع را به گونه‌ای به خریدار بدهد که نه امکان خلع ید او برود و نه عیب پنهانی داشته باشد و ضمان درک و عیب برعهده اوست، "نقص در مصرف" که معیار تمیز عیب است (ماده

**در حقوق فرانسه آنچه را**

**ما به عنوان "خيار عیب"**

**می‌آوریم، آنها در زمره**

**تعهدهای وابسته به**

**چگونگی تسلیم مبیع**

**مطرح می‌سازند، و آن را**

**در کنار "ضمان درک" و از**

**همان سنخ تلقی می‌کنند**

(۱۶۴۱) قانون مدنی، به خریدار حق می‌دهد برای جبران ضرر خود، بیع را فسخ کند و ثمن را پس بگیرد، یا کاهش ثمن را از دادگاه بخواهد. در صورتی که فروشنده از عیب آگاه باشد، خریدار جاهل حق دارد خسارتی را که در نتیجه عیب پنهانی به او وارد شده است از فروشنده بگیرد. برای مثال، در جایی که بهای مبیع پس از عقد افزایش می‌یابد، و خریدار نمی‌تواند با دریافت ثمن کالای سالم مورد نظر خود را به دست آورد، فروشنده باید خسارت ناشی از این گرانی را جبران کند ماده (۱۶۴۵) قانون مدنی، به هر حال، امکان مطالبه خسارت منوط بر این است که خریدار حسن نیت و فروشنده سوء نیت داشته باشد. (۶)

در حقوق ایران، عیوب پنهانی مبیع در زمان عقد، به خریدار حق می‌دهد که معامله را فسخ کرده و یا برای جبران زیانی که به او وارد شده با اخذ ارش از فروشنده، مبیع معیوب را قبول کند (مواد ۴۲۲ و ۴۲۳ قانون مدنی).

عیب مبیع در صورتی به خریدار حق فسخ معامله، یا اخذ ارش می‌دهد که هنگام عقد موجود بوده و از نظر خریدار پنهان بماند "اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعاً مستور بوده است، یا اینکه ظاهر بوده ولی

مشتری ملتفت آن نشده است" (ماده ۴۲۴ قانون مدنی) (۷)

با این همه، قسمت آخر ماده (۶۸) کنوانسیون، نشان می‌دهد که ضمان با بیع نسبت به تلف یا عیب مبیع مربوط به عیوب پنهانی کالا و بی‌اطلاعی خریدار از آن نیست تا او بتواند با استفاده از خيار عیب، معامله را فسخ کرده و یا با اخذ ارش، مبیع معیوب را قبول کند بلکه این ضمان ناشی از این امر است که فروشنده از تلف یا عیب مبیع اطلاع داشته (و یا اوضاع و احوال به نحوی است که باید از آن آگاه می‌بود) و با وجود این، خریدار را از آن مطلع نکرده است. به بیان دیگر، می‌توان گفت، علت ضمان، نیرنگی است نامتعارف از سوی با بیع به منظور گمراه کردن خریدار و برانگیختن او به معامله‌ای که در صورت آگاه بودن از واقع، به آن رضا نمی‌داد. این همان تدلیس است. منتها، اگر فروشنده نیرنگی به کار برد و دیگری را در وصفی که انگیزه اصلی طرف قرارداد است بفریبد، این اشتباه از عیوب تراخی است و به علت معیوب بودن رضا، عقد را باطل می‌کند؛ زیرا تدلیس در انگیزه اصلی یا علت عمده عقد که می‌تواند به آن "تدلیس جوهری یا اصلی" اطلاق کرد، سبب بطلان عقد می‌شود، نه خيار فسخ. و حال آنکه تدلیس اصطلاحی که از موجبات خيار است، در وصفی انجام می‌شود که علت عمده عقد نیست ولی چون موجب این اشتباه شده، برای طرف دیگر معامله خيار فسخ ایجاد می‌کند. (۸)

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد عدم اعلام تلف یا خسارت وارده به کالا توسط با بیع، موجب اشتباه خریدار شده و این اشتباه مؤثر در اعتبار عقد، و از عیوب اراده است و عقد را باطل می‌کند و چون عقد باطل است، موجب انتقال ضمان به خریدار نمی‌شود.

**۱۴ - قلمرو اجرای قسمت آخر ماده (۶۸) کنوانسیون:**

این سؤال نیز مطرح شده است که آیا استثنای مذکور در قسمت آخر ماده (۶۸)، تنها در مورد اخیر (موردی که ضمان، به

مربوط به خسارت وارده به کالا، مثل حق درخواست تطبیق کالا تا جایی که مربوط به نقض قرارداد از جانب بایع است، و در همه موارد، حق درخواست خسارت (بند ۲۰ ماده ۴۵) برای خریدار محفوظ است. توضیحاتی در مورد استفاده از این وسایل مختلف ضروری به نظر می‌رسد:

### الف- فسخ قرارداد و قلمرو آن:

در مورد فسخ قرارداد، مسأله این است که آیا فروشنده، کلیه حقوق خود را نسبت به ثمن مربوط به آن قسمت از کالا که آسیب دیده و در این مدت در ضمان خریدار بوده از دست می‌دهد یا نه؟ این نتیجه، با سیاست کنوانسیون در مورد ضمان، که مبتنی است بر تحمیل آن بر عهده طرفی که کالا را در تصرف دارد، مطابقت نمی‌کند، با وجود این، به نظر می‌رسد که باید این نتیجه را به عنوان نتیجه فسخ قرارداد پذیرفت. (۱۰)

در حقوق فرانسه، طبق بند ۲۰ ماده (۱۶۴۷) قانونی مدنی این کشور، اگر مبیع در اثر حادثه خارجی یا تقصیر خریدار تلف شود، حق درخواست فسخ خریدار ساقط می‌شود، لیکن حق بر ارزش باقی می‌ماند زیرا تلف مبیع نباید موجب شود که او جنسی را گرانتر از بهای متعارف آن بخرد. (۱۱)

در حقوق ایران نیز از مفاد ماده (۴۲۹) ق.م. قاعده‌ای به دست می‌آید که به موجب آن "فسخ قرارداد در صورت تلف و نقص و انتقال و تغییر موضوع آن در جایی امکان دارد که وسیله دیگری برای جبران ضرر موجود نباشد". در این موارد مشتری حق فسخ ندارد و فقط می‌تواند ارزش بگیرد. (۱۲)

طبق مفاد ماده (۸۲) کنوانسیون، در صورتی که مشتری نتواند کالا را به همان وضعیتی که آن را دریافت کرده به فروشنده اعاده نماید، حق فسخ معامله یا الزام بایع به تسلیم بدل کالا را از دست خواهد داد. البته، اغلب

### در حقوق ایران، عیوب

### پنهانی مبیع در زمان عقد،

### به خریدار حق می‌دهد که

### معامله را فسخ کرده و یا

### برای جبران زبانی که به او

### وارد شده با افزودن ارزش از

### فروشنده، مبیع معیوب

### را قبول کند

به مقصد، معلوم شود که یک سوم کالا در طی حمل، یعنی پس از انتقال ضمان به خریدار، خسارت دیده ولی از دو سوم بقیه، نصف آن تطبیق نمی‌کند، و این عدم تطبیق (نسبت به کل قرارداد) نقض اساسی زاست، طبق مفاد ماده (۷۰)، خریدار حق دارد تعویض کالایی را که مطابقت ندارد درخواست کند (بند ۲ ماده ۴۶)، یا ثمن را کاهش دهد (ماده ۵۰)، یا قرارداد را فسخ کند (ماده ۴۹)، بدون آنکه فروشنده بتواند به انتقال ضمان در مورد قسمت خسارت دیده استناد نماید. با وجود این، در صورتی که نقض قرارداد، نقض اساسی نباشد، ضمان کالای خسارت دیده به طور کامل بر عهده خریدار است، ولی سایر حقوق

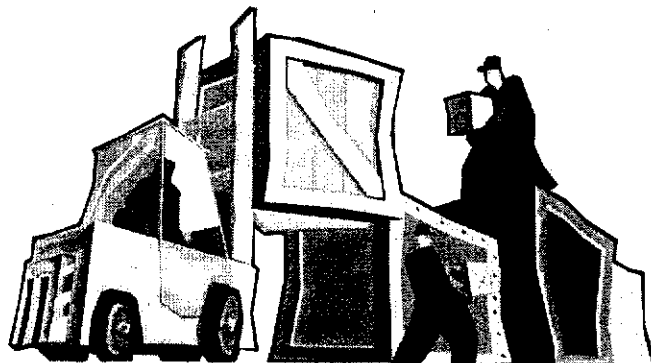
علت اقتضای شرایط و اوضاع و احوال، از تاریخ تحویل کالا به متصدی حمل و نقل، به خریدار منتقل می‌شود) قابل اجرا است، یا شامل قسمت اول (انتقال ضمان از تاریخ انعقاد قرار داد) نیز می‌شود؟ کارهای مقدماتی زیاد مسأله را روشن نمی‌کند. دلیل تردید در مورد تسری اجرای آن به قسمت اول، این است که ضمان (ضمان تلف یا خسارت وارده به کالا) و عدم مطابقت هر دو مطرح می‌شود (یعنی فروشنده هم ضامن تلف یا خسارت خواهد بود و هم ضامن عدم مطابقت)، و حال آنکه هر دوی اینها با هم نمی‌تواند وجود داشته باشد (ماده ۳۶): اگر استثنا اجرا شود، یعنی فروشنده ضامن تلف یا خسارت باشد، بین این دو تفاوتی نیست زیرا هر دو ضمان مربوط به قبل از انعقاد قرارداد می‌شود، هر چند که ضمان قبل از انعقاد قرارداد، تنها در مورد عدم مطابقت مصداق دارد. در حالت دوم، یعنی عدم تسری استثنا به قسمت اول ماده، و منحصر بودن آن به قسمت دوم، توجیه قاعده عبارتست از غیر عادی بودن انتقال ضمان به قبل از انعقاد قرارداد (با این همه در این مورد در واقع موضوع بیشتر حفظ ضمان قبلی است تا انتقال آن). (۹)

### ۱۵- اثر نقض اساسی قرارداد از طرف فروشنده:

کنوانسیون، اثر نقض اساسی قرارداد را از جانب فروشنده نسبت به انتقال ضمان پیش‌بینی کرده است. ماده (۷۰) می‌گوید: «اگر فروشنده مرتکب نقض اساسی قرارداد شده باشد، مقررات مذکور در مواد (۶۷، ۶۸ و

۶۹) مانع از توسل مشتری به وسایلی نمی‌شود که او می‌تواند به علت نقض قرارداد از آن استفاده کند».

در صورت ارسال کالا توسط فروشنده برای خریدار، ضمان از زمان تحویل به نخستین متصدی حمل و نقل به خریدار منتقل می‌شود. در صورتی که پس از رسیدن کالا



چنین است که خریدار نمی تواند آن طور که در بند ۱ ماده (۸۲) آمده، کالا را در موقع فسخ قرارداد دقیقاً به وضع مشابه با وضعی که آن را دریافت کرده، مسترد نماید. با این همه، باید توجه داشت که موقع تحویل کالا به متصدی حمل و نقل، او آن را به مفهومی که در این ماده به کار رفته، 'دریافت' نکرده (چرا که قادر به اعلام نظر در مورد مطابقت کالا نبوده است)، از طرف دیگر، و به فرض عدم قبول این تغییر، در بند ۲ ماده (۸۲)، عدم امکان اعاده کالا به وضع سابق که ناشی از فعل یا ترک فعل مشتری نباشد، از قاعده قبل مستثنا شده است. (۱۳)

در حقوق ایران، همان طور که دیدیم، طبق بند ۳ ماده (۴۲۹) قانون مدنی، اگر بعد از عقد عیب دیگری در مبیع حادث شود، وضع حادث مانع از اجرای حق فسخ است زیرا مشتری نمی تواند مورد معامله را به همان صورت که دریافت کرده به باع بازگرداند. پس فرض قانون این است که ضمان عیب حادث به عهده خریدار است، مگر آن که حدوث عیب مربوط به قبل از تسلیم مبیع بوده (ماده ۴۲۵ قانون مدنی)، یا عیب حادث در نتیجه عیب قدیم باشد، و سبب آن در زمانی عارض شده باشد که فروشنده مسئولیت دارد (ماده ۴۳۰ قانون مدنی)، و یا عیب حادث در زمان خیار مختص به مشتری باشد (ماده ۴۵۳ و بند ۳ ماده ۴۲۹ قانون مدنی)، که در این صورت ضمان عیب بر عهده باع بوده، و عیب حادث مانع از اجرای حق فسخ خریدار - نیست. (۱۴)

**ب- کاهش ثمن:**

در مورد کاهش ثمن نیز می توان سؤال مشابهی را مطرح کرد: آیا خریدار می تواند در مورد قسمتی از کالا که در ضمان خود اوست، ثمن را کاهش دهد؟ به بیان دیگر، آیا می توان کاهش ثمن را به علت عدم مطابقت، نسبت به کل کالا به اجرا درآورد؟ به نظر می رسد راه حل این است که خریدار نمی تواند نسبت به آن قسمت از کالا که در ضمان خود اوست، از کاهش ثمن استفاده کند. از این رو است که ماده (۷۰)، نمی گوید که در مورد نقض

در حقوق فرانسه، طبق بند ۳ ماده (۱۶۴۷) قانون مدنی این کشور، اگر مبیع در اثر حادثه خارجی یا تقصیر خریدار تلف شود، حق درخواست فسخ خریدار ساقط می شود، لیکن حق بر ارزش باقی می ماند زیرا تلف مبیع نباید موجب شود که او جنسی را گرانتر از بهای متعارف آن بخرد.

اساسی قرارداد از جانب فروشنده، ضمان برعهده خود او باقی می ماند - که در این صورت فروشنده مجبور است کاهش قیمت بیشتری را تحمل کند - بلکه می گوید که قواعد مربوط به ضمان، مانع از توسل مشتری به وسایلی نمی شود که خریدار در مورد نقض قرارداد در اختیار دارد. به همین جهت، خریدار تنها می تواند بدل آن قسمت از کالا را درخواست کند که خسارت وارده به آن مربوط به زمانی نباشد که در ضمان اوست، و نه بدل کل کالای معیوب را.

اگر ماده (۷۰) به این صورت تفسیر شود، بدون شک خریدار بیشتر تشویق به فسخ قرارداد خواهد شد تا به درخواست بدل یا

کاهش قیمت، و این با سیاست کلی کنوانسیون مبنی بر تلاش و کوشش برای پابرجایی قرارداد تطبیق نمی کند. وانگهی، باید توجه داشت که فسخ و آثار مترتب بر آن - استرداد ثمن، یا عدم تعهد به پرداخت ثمن بدون برگرداندن کالا - نه تنها در مورد خسارت وارده در زمان حمل، بلکه در مورد خسارت حادث پس از تصرف کالا توسط خریدار نیز قابل اجراست. با توجه به اینکه خریدار در صورت تمایل به اعلام فسخ در مورد نقض اساسی قرار داد، موظف است آن را ظرف مدت معقولی (بند ۲ ماده ۴۹) اعلام کند. در این صورت، جنبه های غیرمنصفانه این وضع تا حدودی برطرف خواهد شد. برای قضاوت در مورد مدت معقول، می توان مجموع شرایط و اوضاع و احوال را در نظر گرفت. خریدار می تواند در صورت عدم امکان فسخ قرارداد، و صرف نظر از سایر وسایلی که در اختیار دارد، جبران خسارت وارده را به جهت عدم مطابقت کالا - ولی نه به جهت عیب کالا - مطالبه نماید (بند ۲ ماده ۴۵). (۱۵)

**پی نوشتها:**

- ۱- بیع بین المللی کالا - برنارودی - شماره ۹۳.
- ۲ - مجله حقوقی شماره ۱۴ و ۱۵ حقوق جدید متحدالشکل بیع بین المللی - ژان پی بریلانتار - ص ۳۵۶.
- ۳ - بیع بین المللی کالا - برنارودی - شماره ۹۳.
- ۴ - بیع بین المللی کالا - برنارودی - ص ۹۱ و ۹۲.
- ۵ - بیع بین المللی کالا - برنارودی - ص ۹۱ و ۹۲.
- ۶ - قواعد عمومی قراردادها - جلد پنجم - ص ۳۲۲ به بعد - آقای دکتر کاتوزیان - به نقل از مازو - دروس حقوق مدنی - شماره های ۹۷۷ و ۹۲۲.
- ۷ - عقود معین - جلد اول - همان منبع - ص ۱۹۴ به بعد و ص ۲۳۲ به بعد.
- ۸ - قواعد عمومی قراردادها - جلد پنجم - ص ۳۵۴ به بعد.
- ۹ - بیع بین المللی کالا - برنارودی - ص ۹۲.
- ۱۰ - بیع بین المللی کالا - برنارودی - ص ۹۳.
- ۱۱ - قواعد عمومی قراردادها - جلد پنجم - ص ۳۲۲ (قرانت و تمرین ۲۲).
- ۱۲ - قواعد عمومی قراردادها - جلد پنجم - ص ۸۵.
- ۱۳ - بیع بین المللی کالا - برنارودی - همان منبع.
- ۱۴ - قواعد عمومی قراردادها - جلد پنجم - ص ۳۰۱ به بعد.
- ۱۵ - بیع بین المللی کالا - برنارودی - ص ۹۴.

